

اکسیر یاد خدا

بعد از ایمان و اعتقاد به خداوند یکتا، اسرارآمیزترین مفهوم و مؤثرترین دستور، یاد کردن خداوند است، چیزی که در آیات قرآن با عبارت «ذکرا…» از آن یاد می شود و بسیاری از مفاهیم و عناوین دینی را در پی خود می آورد. در انتها انسان باید از خودش بیرسد که این یاد کردن خدا با وجود من چه کاری می کند که تمام وجود مرا تغییر می دهد و جهان اطراف من را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. این اکسیر عشق از چه ماده ای تشکیل شده است که می تواند مس وجود را از کند؟ خداوند عالم در قرآن کریم می فرماید: «وَلَذِكْرُا... أَكْبَرُ» یعنی یاد خدا از همه چیز در امور عبادی بزرگ تر است؛ البته ذکر خداوند به این نیست که شما تسبیح به دست بگیرید و بگویید «سُبْحَانَا... وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا...وَا... أَكْبَرُ». بلکه اصل ذکر این است که خداوند در بزرگ ترین تأثیر ممکن و قوی ترین ارتباط موجود با بنده اش قرار بگیرد.

راغب اصفهانی در کتاب گران قدر «مفردات» در معنای لغات و واژه های قرآنی می گوید: «تَارَهُ يُقَالُ وَيُرَادُ بِهِ هَيْئَةُ لِنَفْسِهِ بِهَا يَمْكُنُ لِلانسان أَنْ يَحْفَظَ مَا يَقْتْنِيهِ مِنْ المعرفة»، یعنی ذکر در معنای حقیقی، توصیفی از یک امر نفسانی است و این طور نیست که تعریف به رفتار باشد. مرحوم علامه طباطبایی هم در تفسیر شریف «المیزان»، تصویر جالب تری از ذکر ارائه می دهد و می گوید یاد خدا آخرین مرحله سعادت است که برای انسان در نظر گرفته شده است و بنابراین، ذکر همان تذکر قلبی و استحضار در مقام عبودیت است که افزون بر وضعیت زبانی و قلبی، به صورت یک شناخت در قلب انسان ظاهری می شود و از همه اعمال خبر و الا تراست. حقایق در کانون فکر شما منعکس می شود و بر اساس شناخت و برداشتی که شما از یک مسئله داشته باشید، آن فکر نیز در اندیشه شما شکل می گیرد. بر همین اساس، ذکر خدا نیز عبارت است از فکر، اندیشه و برداشتی که هر کدام از ما از خدا داریم اما از آنجا که خدا فکر کردنی نیست و ارتباط با او در قالب احساسی در باطن و فطرت تعریف می شود، انسان موحد همان قدر که در عمیق ترین بخش از وجودش وابستگی احساسی کند، وابسته به ذکر خدا خواهد بود.

در خطبه ۱۷۹ نهج البلاغه آمده است، فردی آمد نزد حضرت امیرمؤمنان ^(ع) و پرسید: «هل رأيت رثك يا أمير المؤمنين؛ یعنی ای امیرمؤمنان! آیا خدایت را می بینی؟» حضرت پاسخ دادند: «أفأعبدُ ما لا أرى؛ یعنی پس چگونه بیرستم چیزی را که نمی بینم؟» مرد دوباره سؤال کرد: «كيف تراه؛ یعنی چگونه خدا را می بینی» و امیرمؤمنان ^(ع) فرمودند: «لا تُذَرُكُ الْعَيْنُون بِمُشَاهَدَةِ الْعَيَانِ وَ لَكِنْ تُذَرُكُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ؛ یعنی خداوند وجودی است که چشم ها به نشانه های ظاهری، او را نمی بینند اما قلب ها به حقیقت ایمان، او را درک می کنند».

اطاعت و فرمان برداری خداوند دو وجه دارد. وجوه آن را خدا در قرآن کریم این طور توضیح می دهد: «أَتْلِ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تُنْهِي عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُا... أَكْبَرُا... يَغْلُمُ مَا تَصْنَعُونَ» و براین اساس، اطاعت دو بخش دارد، بخش نرم افزاری طاعت خدا این است که انسان به مقامی برسد که با خود بگوید «پسندم آنچه را جانان پسندد»، این، بخش نرم افزاری طاعت است که خوشایندها و بدایندهای انسان با امور محبوب و منفور خدا تنظیم شود. بخش سخت افزاری طاعت نیز مربوط به زمانی است که انسان وارد مرحله ترک بدایندهای خدا و عمل به خوشایند های خدامی شود. بخش متعالی طاعت نیز همین است اما زمانی که نرم افزار آن در انسان راه اندازی نشود، بنده نمی تواند وارد این مرحله شود.

انسان موحد و مؤمن در هر عمل از زندگی خود به این موضوع فکری می کند که آیا خدا این کار مرا می پسندد یا نه. این آیه نیز همین را می گوید و تأکید می کند تصویری که از خدا در ذهن انسان شکل می گیرد، حتی مؤثرتر از نماز، انسان را در برابر فحشا و منکر حفظ می کند. اینجاست که می گوئیم ممکن است کسی نماز خوان باشد اما ده ها فساد و عمل گناه را هم انجام دهد. دلیل اصلی وقوع این پدیده، آن است که فرد فقط خود را مکلف به نماز می داند اما محصول نماز به عنوان نرم افزار تولید ایمان در وجود او شکل نگرفته است. با تمام این توضیحات، باز این ارتباط قلبی که بنده با خدای خود دارد و نحوه آن یعنی اینکه چگونه انسان محدود به خدای نامحدود متصل می شود، اسرارآمیز است و جا دارد انسان به آن فکر کند که می گویند «قطره، دریاست، اگر با دریاست» و در حدیث قدسی عجیبی آمده است که هیچ چیز نمی تواند من خدا را در خود جای دهد، مگر قلب بنده مؤمن. از خداوند بزرگ می خواهیم که ما و خانواده ما را از اهل ذکر و یادکنندگان واقعی خود قرار بدهد. ان شاء...!

بزرگفته از خطبه های نماز جمعه مشهد
تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

بیرس و بدان

حکم لقطه (مال پیدا شده)

در این ستون به پرسش های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می توانید پرسش های خود را به شماره پیامک ۰۰۰۰۲۷۸۹ با ما در میان بگذارید.

● **سؤال:** حکم انگشتی یا دیگر اموالی که در حفاری های درون خانه خود پیدا می کنیم، چیست؟ بنده چند وقت پیش در باغچه حیاط منزلم، گودالی کندم و در زیر خاک، انگشتی عقیقی پیدا کردم. آیا من صاحب این انگشتی شوم و نماز خواندن با آن اشکال ندارد؟

● **پاسخ اجمالی:**

چنین مالی، حکم لقطه (مال پیدا شده) را دارد. پس اگر مال پیدا شده متعلق به مالکان قبلی آن خانه نباشد و امیدی نیز به یافتن صاحب آن نیست، باید خود آن وسیله یا قیمت آن را به فقیر صدقه داد، مگر آنکه از عقیقه جات و اشیای بسیار قدیمی باشد که در این صورت باید طبق مقررات کشوری عمل کرد.

● **آیت ا...العظمی خامنه ای:** پس از اطلاع رسانی به ساکنان قبلی، اگر از پیدا کردن صاحب آن مایوس شدید، به فقیر بدهید.

● **آیت ا...العظمی مکارم شیرازی:** در صورتی که ارزش آن کمتر از یک درهم است، می توانید تحقیق مختصری کنید و در صورتی که صاحبش پیدا نشد، هم می توانید خود استفاده کنید و هم آنکه صدقه دهند.

● **آیت ا...العظمی شبیری زنجانی:** اگر از اشیای قدیمی نباشد، چنانچه احتمال دهید مال فردی است که قبلا مالک زمین بوده، باید به او اطلاع دهید و چنانچه بگوید مال من است، آن را به او بدهید. همچنین اگر احتمال دهید مال یکی از کسانی است که با این زمین سروکار داشته اند، مانند فرزند و خدمتکار مالک پیشین، اگر مالک پیشین و هیچ یک از کسانی که با این زمین سروکار داشته اند، نگویند که این مال آن هاست، باید به فردی که پیش از آن مالک زمین بوده است و کسانی که در زمان او با زمین سروکار داشته اند، اطلاع دهید و به همین ترتیب به تمام مالکان پیشین و کسانی که با زمین سروکار داشته اند، اطلاع دهید. اگر هیچ یک نگویند که مال آن هاست، چنانچه نشانه ای ندارد که به واسطه آن بتوانید مالکش را پیدا کنید یا آن را در جایی پیدا کرده اید که معلوم است به واسطه اعلان صاحب آن یافت نمی شود، یا قبیل از گذشت یک سال از پیدا کردن صاحب آن مایوس شوید، باید خود آن یا قیمتش را با اجازه حاکم شرع، صدقه دهید.

● **آیت ا...العظمی صافی گلپایگانی:** چنانچه احتمال دهد مالکان آن، صاحبان قبل این زمین باشند، باید به صاحبان قبل تعریف شود. اگر شناسد، به فقیر غیر سید بدهد.

شهریار

۲۰ شهریور ۱۳۷۲
شماره ۲۷۵۳

۱۴



شهریار

مؤلف کتاب «حقوق متقابل زن و شوهر»، در گفت وگو با شهرآرا مطرح کرد

فاطمه ^(س) و علی ^(ع)، برترین الگو برای زندگی

آمنه مستقیمی | **اغلب ما در حل مسائل و مشکلات زندگی به دنبال راه های خارق العاده و پریپچ وخم می گردیم و باورمان نمی شود با برخی کارهای ساده، می توان تا چه حد موفق عمل کرد؛ برای مثال برای داشتن خانواده ای موفق، ارتباط صمیمی و اثرگذار با همسر و فرزندان و تربیت فرزند، حاضریم کتاب های قطور روان شناسی بخوانیم و هزینه هنگفت مشاوره بدهیم، اما یادمان می رود سری هم به گنجینه آموزه های دینی بزنیم که شاه کلید خانواده موفق را به دست ما داده اند. با توجه به ایام فاطمیه، سیره حضرت فاطمه ^(س) با رفتار با همسر را به عنوان الگویی برای همگان بررسی کرده ایم. در این باره با یدا... بهتاش، محقق و مؤلف سیره اهل بیت علیهم السلام و نویسنده کتاب «حقوق متقابل زن و شوهر»، گفت وگو کرده ایم که در ادامه مرور می کنیم.**



یدا... بهتاش:

یکی از بهترین راههای ابراز محبت به همسران و تعمیق مودت بین آن ها، ابراز زبانی و گفتن احساسات قلبی است

با ارزش تر از اعتکاف در مسجدالنبی ^(ص)

کمی بیشتر که در آموزه های دینی، موضوع محبت و مودت خانوادگی را بررسی کنیم، متوجه آثار خارق العاده آن می شویم؛ برای مثال همه ما می دانیم که اعتکاف از اعمال دارای ثواب بسیار است. اینکه انسان حداقل سه روز در مسجد خلوت کند و روزه بگیرد و نماز بخواند و مناجات و دعا کند، آثاری همچون حج دارد، یعنی باعث می شود انسان همچون روز تولد از گناهان پاک شود(البته حق الناس و جبران آن از این دایره بیرون است). جالب آنکه پیامبر اکرم ^(ص) می فرمایند: «اینکه زن و شوهری کنار هم بنشینند و به شیوه محبت آمیز صحبت کنند، از اعتکاف در مسجدالنبی، ثواب بیشتری دارد».

بنابراین فکر نکنیم فقط دعا و زیارت است که ثواب دارد، بلکه چنین ثواب های ارزشمندی در محبت ما به همسر خود و یک گپ و گفت صمیمی و مهربانه با او نیز نهفته است؛ چنان که در روایات دینی تصریح شده است: «وقتی زنی لیوان آبی به دست شوهر خود یا مردی لقمه ای نان به همسر خود بدهد، از اینکه یک سال هر روز روزه بگیرد و نماز شب بخواند، ثواب بیشتری دارد». این ها ثابت می کند که مودت و محبت در فضای خانواده، علاوه بر آثار دنیایی که شامل آرامش و نشاط فرد و خانواده است، ثواب اخروی هم دارد و وزنه اعمال نیک ما را سنگین می کند.

حقوق متقابل زن و شوهر

امام سجاد^(ع) در رساله حقوق خود در تبیین حق همسر می فرمایند: «و اما حق فردی که از راه ازدواج با تو نسبت برقرار کرده است(یعنی حق همسر این است که بدانی خدا او را مایه آرامش جان و انیس و نگهدار تو قرار داده و هریک از شما زن و شوهر باید به نعمت وجود همسرش، حمد خدا را به جا آورد و بداند که این نعمت خداست که به او داده است، و براو لازم است با این نعمت خدا، خوش رفتاری کند و آن را گرامی بدارد. با او به مدارا رفتار کند، گرچه حق تو بر همسرت، سخت تر است و نسبت به آنچه می پسندی و نمی پسندی، تا آنجا که گناه نباشد، طاعت تو براو لازم است. ولی او هم حق دلنوازی و انس بر تو دارد و حفظ مقام آسایش تو در دامن اوست برای کامیابی و لذت جویی که باید انجام شود و این خود، حق بزرگی است و قوه ای جز به کمک خداوند نیست».

هزینه بی محبتی در خانواده

اگر همین یک تبیین را کنار آنچه روان شناسی امروزی برای ارتباط با همسر به ما عرضه می کند بگذاریم، روشن اندیشی، عقلانیت و عمق معارف دینی را درک می کنیم که چه زیبا اساس رفتار با همسر و حقوق او را گوشزد می کند ولی متأسفانه غفلت و بی توجهی به این معارف، ما را درگیر مشکلات فردی، خانوادگی و اجتماعی کرده است. تنهایی های عمیق درونی، طلاق های عاطفی، پایین و بالا کردن بله های دادگاه خانواده، معضل فرزندان طلاق و آسیب هایی که آن ها را تهدید می کند، اغلب به دلیل نادیده گرفتن همین حقوقی است که به راحتی ادا کردنی است و زحمت و هزینه ای هم دارد، اما با بار بزرگی را از دوش خانواده و جامعه برمی دارد.

به همین دلیل هم در اسلام، بر رعایت حقوق بسیاری در روابط همسران و خانواده، تأکید شده است که از مهم ترین آن ها، داشتن محبت و مودت به یکدیگر است. زن و شوهر باید رعایت حال یکدیگر را بکنند و به هم محبت داشته باشند. این چنین، هم دنیایشان بهتر می شود، هم اجرا خروی می برند. نمونه روابط اثرگذار همسرانه، ارتباط حضرت امیرالمؤمنین ^(ع) و حضرت زهرا ی مرضیه ^(س) است.

فرزندان موفق

خانواده، اساس و بنیان اجتماع است. زمانی در روابط اجتماعی، محبت و الفت روامی داریم که در خانواده آن را یاد گرفته باشیم؛ چون اساس تربیت در خانواده بنا می شود. نمونه این تربیت مربوط به خانه حضرت امیر ^(ع) و فاطمه زهرا ^(س) است، آن ها اگرچه خانه ای محقر داشتند، در همان خانه، فرزندان تاریخ ساز تربیت کردند. علاوه بر این، فرزندآوری حضرت زهرا ^(س) باید الگو قرار بگیرد. ایشان در نه سال زندگی زناشویی، پنج فرزند به دنیا آوردند که یکی از آن ها سقط شد و چهار تن دیگر در عرصه اجتماع، نقشی ویژه آفریدند؛ آن حضرات در آن خانواده کوچک با تربیت پدر و مادری با محبت و مؤمن، پرورش یافتند و عبادت، حجاب، اخلاق و ادب و دین داری را از پدر و مادر یاد گرفتند. این نشان می دهد که وقتی خانواده درست و اصولی و بر اساس مودت و همدلی بنا شود، اجتماع مفید و سالم هم شکل می گیرد.

مودت؛ عنصر کلیدی در تشکیل خانواده

محبت و مودت از اساسی ترین عناصر ارتباط بین زوج ها و عنصری کلیدی در تشکیل خانواده است، چنان که خداوند از آن به آیتی از آیات خود تعبیر می کند و در آیه ۲۱ سوره روم می فرماید: «و باز یکی از آیات (لطف) او آن است که برای شما از جنس خودتان، جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یافته، با هم انس بگیرد و میان شما رفت و مهربانی برقرار کرد». لذا اینکه همسران به هم لطف و محبت داشته باشند و از سرمهر و آرامش در کنار هم زندگی کنند، موهبتی الهی است که باید قدر آن را دانست.

محبت را ابراز کنید

آموزه های دینی ما فراوان بر محبت به یکدیگر تأکید می کنند؛ مثل اینکه تصریح شده است مؤمنان باید یکدیگر را دوست داشته باشند، رسول خدا ^(ص) فرموده اند: «خدا مهربان است و همه مهربانان را دوست دارد». علاوه بر داشتن مهر و محبت، آموزه ها، ما را به ابراز محبت نیز توصیه می کنند، چنان که در روایت آمده است، «وقتی فردی را دوست دارید، به او بگویید، یعنی ابراز کنید و به زبان بیاورید».

موضوع ابراز محبت و دوست داشتن در روابط زن و شوهر، اهمیت بسیار بیشتری می یابد و تأثیری عمیق بر آرامش درون خانواده می گذارد. خوب است حال که در ایام فاطمیه و آستانه شهادت حضرت زهرا ی مرضیه ^(س) هستیم، این محبت را در سیره ایشان جست و جو کنیم. یکی از القاب حضرت زهرا ^(س)، حانیه است؛ یعنی فردی که با شوهر و فرزندان خود مهربان است.

چرا حانیه؟

حضرت زهرا ^(س) با همسر و فرزندان خود به شدت مهربان بودند و این محبت و مهر را در لفظ و رفتار نشان می دادند، چنان که به امیرالمؤمنین ^(ع) می گفتند: «فدایت شوم!» یا «جان من فدای تو باد!» و در خطاب ها حضرت امیر ^(ع) را با لقب «ابا الحسن ^(ع)» که مورد علاقه ایشان بود، صدا می کردند. در سخنان فاطمه زهرا ^(س) خطاب به امیرالمؤمنین ^(ع) آمده است، «اگر در خیر و خوبی باشی، با تو هستم (یعنی هنگام خیر و رفاه و آسایش) و اگر گرفتار باشی، نیز تو را رها نمی کنم». این ها همه الگوهای رفتاری برای ارتباط زن و شوهر و نوع ابراز محبت و همدلی آن ها به یکدیگر است.

این یعنی قرن ها قبل از تولد روان شناسی آکادمیک و امروزی که ما را به ابراز احساسات مختلف از جمله محبت تشویق می کند، آموزه های دینی و سیره معصومان ^(ع) ما، لبریز از جلوه های این محبت و ابراز آن بوده است. اما بیشتر ما همچون دیگر آموزه ها از کنار این گنجینه ارزشمند نیزی تفاوت و غافلانه عبور می کنیم و عواقب سوء آن را هم می بینیم. یکی از بهترین راه های ابراز محبت به همسران و تعمیق مودت بین آن ها، ابراز زبانی و گفتن احساسات قلبی است. از پیامبر ^(ص) نقل است که فرمودند: «وقتی مردی به زنش می گوید تو را دوست دارم، هیچ گاه از دل زن بیرون نمی رود». به قول امروزی ها، این سخنان انرژی مثبت دارد و ذهن همسر را درگیر می کند. اما ما چه می کنیم؟ بسیاری آن ها که می گویند من همسر را دوست دارم، خودش می داند، دیگر نیازی به بیان آن نیست. در حالی که ابراز محبت است که دل ها را گرم و ما را به علاقه همسر، مطمئن و امیدوار می کند.

رحمت خداوند شامل حال همسران مهربان است

متأسفانه بیشتر ما فکری کنیم نماز، روزه، دعا و زیارت عاشورا ثواب دارد و با این هاست که خدا از ما رضی می شود و نظر لطفش را شامل حالمان می کند، در حالی که احادیث فراوانی داریم که نشان می دهد دین و مستحبات آن، منحصر به نماز گزاردن و زیارت عاشورا و دعا خواندن نیست. پیامبر اکرم ^(ص) می فرمایند: «وقتی مردی با محبت به همسرش نگاه کند و همسرش هم به او محبت آمیز بنگرد، خدا به آن ها با نظر رحمت نگاه می کند». حضرت رسول ^(ص) در جای دیگری فرموده اند: «اگر زن و شوهر با هم نماز بخوانند یا دعای کمیل و زیارت عاشورا بخوانند، نگاه پر مهر و محبت آن ها به هم، رحمت خدا را جلب می کند». این ها نکاتی است که باید در منابر گفته شود تا مردم بدانند یک نگاه از سر عشق و محبت به همسر، چه برکاتی را برایشان به ارمغان می آورد. همین رفتارهای به ظاهر کوچک است که همدلی ها را رقم زده، باعث می شود همسران در ناملایمات و فراز و نشیب های زندگی، حامی و همراه هم باشند.